

یادداشت سیاسی

مطلوب برای حفظ کل نظام در مقابل جنبش آزادیخواهانه مردم باشد.

کاندیدای مورد نظر خامنه ای بر اساس آن چه تا کنون در رسانه های دولتی انتشار یافته در مرحله اول علی اکبر ولایتی وزیر سابق امور خارجه و یا افرادی همچون علی لاریجانی، رئیس سابق صدا و سیما، محمود احمدی نژاد شهردار تهران می باشند.

حدس و گمانهایی در مورد حسن روحانی دبیر شورای عالی امنیت و علی اکبر هاشمی رفسنجانی نیز وجود دارد که با توجه به موقعیت آنان و نقشی که در مناسبات داخلی رژیم دارند، کاندیدا شدن آنان بسیار بعید به نظر می رسد.

هفته نامه یالثارات، ارگان باندهای فاشیستی انصار حزب الله در شماره روز جمعه ۳۰ مرداد به نقل از ناصر ایمانی که از تحلیلگران مسائل سیاسی مولهف اسلامی است می نویسد: «با مطرح کردن آقای هاشمی رفسنجانی می خواهند جناح مقابل را برای آوردن کاندیداهای دیگر به صحنه خلع سلاح کنند چون در جناح مقابل وقتی آقای رفسنجانی به صحنه بیاید برخی از کاندیداها مردد خواهند شد که آیا با وجود آقای هاشمی بیایند یا نیایند.»

اخیرا رفسنجانی عدم تمایل خود را برای اجرای نقش «تدارکچی» با این جمله که باید راه را برای جوانان باز کرد اعلام نمود و بنابر این عرصه جدال درونی رژیم تا وقتی میر حسین موسوی عدم تمایل خود را اعلام نکنند بر محور او جریان خواهد داشت. تبلیغاتی که افراد موثر از جبهه دوم خرداد در مورد موسوی به راه انداخته اند نشان می دهد که تنها گزینه ای که در شرایط خاص می تواند خامنه ای را از انتخاب یک کوتوله سیاسی منصرف کند کسی جز موسوی نیست.

بدین منظور مجمع روحانیون مبارز تصمیم به مذاکره با «فرزند دانشگاهی حضرت امام خمینی (ره) و نخست وزیر دوران پرافتخار دفاع مقدس» می گیرد. در این مورد کروی دبیر کل این مجمع می گوید: «بنا شد بعضی از دوستان معزز از جمله آیت الله موسوی بجنوردی و آیت الله توسلی از سوی مجمع دیداری با مهندس موسوی داشته باشند و یک جلسه هم ایشان به مجمع بیایند که البته تا الان آیت الله بجنوردی اعلام آمادگی کرده

است.» (ایسنا ۲ مرداد)

بقیه از صفحه ۱

Mehdi_samee@yahoo.com

اما اگر سیر رویدادهای منطقه ای و جهانی به صورت مطلوب خامنه ای پیش نرود و به ویژه اگر رژیم در عراق مهار شود در این صورت ما شاهد چالشی سخت در درون نظام و «فرصتی» مهم در بیرون نظام خواهیم بود. بررسی عملکرد دوم خردادپها و نقشه های آنان در پیش کشیدن نام میرحسین موسوی برای استفاده مطلوب از آن فرصت به سود جنبش آزادیخواهانه مردم ایران مهم است.

در جبهه دوم خرداد، آقایان کروی، انصاری، محتشمی، موسوی خوییها و شرکا پیش دستی کرده و کاندیدای مطلوب خود را موسوی اعلام کرده اند. میر حسین موسوی که هم اکنون رئیس فرهنگستان هنر و عضو همیشه غایب مجمع تشخیص مصلحت نظام می باشد در گذشته به عنوان عضو شورای انقلاب، وزیر امور خارجه، نخست وزیر مورد اعتماد خمینی در دوران جنگ، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضو شورای انقلاب فرهنگی فعالیت کرده است. وی در تمام اقدامات سرکوبگرانه در دوران ۱۰ ساله اول نظام جمهوری اسلامی، نقش مهم و برجسته ای داشته است. او همچنین از مدافعان فعال صدور ترور و بنیادگرایی اسلامی بوده و با توجه به دفاع سرسختانه او از اقتصاد دولتی، معرفی او از جانب دوم خردادپها که کارنامه ناز و کرشمه های آنان برای دولتهای غربی بر همگان روشن است، به نظر غیر عقلانی می رسد. گرچه تاکنون حسین موسوی به درخواست دوم خردادپها پاسخ مثبت نداده با این حال می توان تصور کرد که اگر الزامات مشارکت در قدرت ایجاب کند و اگر سر خامنه ای و ایادی او در عراق به سنگ بخورد، موسوی هم همچون خاتمی می تواند با چند لیخنه ملیح و مقداری کلی بافی اندر فواید «جامعه مدنی اسلامی» و البته به مدد رسانه های استعماری که از خاتمی بهره «تجات بخش» تصویر کردند، گزینه ای اجباری برای ولی فقیه و مهره ای

محمدرضا خاتمی، دبیرکل جبهه مشارکت می گوید: «میرحسین موسوی برای انتخابات ریاست جمهوری آینده گزینه ی بسیار مناسبی است و می تواند تحول جدیدی در وضعیت سیاسی ایران ایجاد کرده و باعث وحدت در گروههای دوم خردادی شود.

وی کاندیداتوری میرحسین موسوی را بسیار مناسب دانست و افزود: حزب مشارکت تلاشهایی را برای رسیدن به نتیجه ی مطلوب در این زمینه انجام داده است، اما همچنان تصمیم بر عهده ی آقای موسوی است.»

کیهان شریعتمداری در این مورد بلافاصله واکنش نشان داده و در سرمقاله روز شنبه ۳ مرداد خود بدون نام بردن از میرحسین موسوی از هر کس که «آبرویی» دارد خواسته که «نامزد اصلاح طلبان برای انتخابات آینده ریاست جمهوری» نشود.

به نوشته سرمقاله کیهان «اصلاح طلبان که از چشم مردم اقتاده اند به دنبال علمدار نیستند بلکه دنبال علم می گردند و به شرکت ورشکسته ای می مانند که مدیر عامل جدید فقط می تواند چراغ های دفتر را روشن کند اما نخواهد توانست چرخهای کارخانه را به گردش آورد.»

به دنبال واکنش کیهان شریعتمداری، جام جم که یکی دیگر از روزنامه های وابسته به خامنه ای است در شماره روز ۶ مرداد نوشت: «وضعیت کشور مانند سال ۷۵ است که مهندس موسوی نشان داد که شرایط برای ورودش در هیات رییس قوه اجرایی کشور مناسب نیست.» جام جم با دست گذاشتن بر تناقضات درون جبهه دوم خرداد علت عدم تمایل موسوی را این می داند که: «بسیاری از یاران موسوی در کابینه دوران جنگ اکنون یا از او بریده اند و یا در مسیری دیگر جویای اهدافی دیگرند و از نظر برخی کارشناسان، خودداری مهندس موسوی از قبول پیشنهاد نامزدی برای ریاست جمهوری بیش از آن که از روی احساس و یا با انگیزه عافیت طلبی باشد، نشان از واقع بینی سیاسی نخست وزیر سابق کشور دارد، چرا که خاطره روزهای جنگ آن قدر برای میرحسین موسوی گرانقدر و پرازش است که نمی خواهد به هیچ قیمتی به آن خدشه وارد کند.»

روزنامه های روز چهارشنبه ۷ مرداد از حمایت آیت الله طاهری، امام جمعه سابق اصفهان، از نامزدی میرحسین موسوی برای ریاست جمهوری آینده خبر دادند. در همین روز روزنامه شرق در سرمقاله خود نوشت: «ما به موسوی رای می دهیم تا همچنان بتوانیم از رییس جمهور انتقاد کنیم، نه این که

این مقام نیز به زمره انتقادناپذیران بپیوندد.»

تیتیر سرمقاله هفته نامه یالثارات ارگان انصار حزب الله (شماره جمعه ۱۶ مرداد) در مورد تلاش برای متقاعد کردن میرحسین موسوی چنین است: «طاب پوسیده اصلاح طلبان و میر حسین موسوی» در این سرمقاله نوشته شده که: «این مجموعه می خواهد با طرح زود هنگام نام موسوی، کاندیدای اصلی خود را پنهان کرده و در زمان مناسب بازی، کارت اصلی خود را رو کند.»

البته میر حسین موسوی گزینه مطلوب برای همه ی جناحهای جبهه دوم خرداد، به ویژه جبهه مشارکت که به دنبال چهره «خندان» و «غربی» تر است، نیست. خود موسوی هم با شرایطی که خامنه ای در آن قرار دارد، نمی تواند نقش متحد کننده برای دوم خردادپها داشته باشد. عوامل داخلی در جدالهای درون حکومتی برای دوم خردادپها هیچ راه گشایی را نشان نمی دهد. مساله اصلی به همان گونه که در ابتدای این یادداشت گفته شد این است که آیا سیاستها و برنامه های تجاوزگرانه و توسعه طلبانه خامنه ای در عراق مهار خواهد شد و یا او می تواند از «فرصت» عراق باز هم بهره برداری کند. خامنه ای با توجه به این فرصت است که در روز چهارشنبه ۲۱ مرداد می گوید: «مهمترین حقیقت این است که جمهوری اسلامی ایران با حرف و سخنی نو که امکان و ضرورت همراه شدن پیشرفت مادی با معنویت است، در قلب جبهه اسلام در مقابل لیبرال دموکراسی قرار گرفته است.»

اگر این نقشه خامنه ای طی ۹ ماه آینده پیشرفت بیشتر کند، تدارکچی آینده ولایت فقیه که نام «رئیس جمهوری اسلامی» را یدک می کشد، نه میر حسین موسوی بلکه یک کوتوله سیاسی خواهد بود.

اما اگر فرصت مطلوب ولی فقیه به تهدید تبدیل شود برای مردم فرصت جدیدی به منظور تغییر کل نظام فراهم خواهد شد و در این صورت اگر حسین موسوی در نقش تدارکچی نظام باشد، از آن جا که مساله عمده مردم ایران در شرایط کنونی نه بازی در میز جناحها که گذار از استبداد مذهبی به یک جمهوری عرفی و دمکراتیک است، بسیار مفتضح تر و بی آبروتر از سید محمد خاتمی خواهد شد.

۳۱ مرداد ۱۳۸۳